

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال سوم، شماره‌ی دهم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۷۹-۴۹

تعاملات و مناسبات بانک شاهی انگلیس با طبقات اجتماعی ایران مطالعه‌ی موردی: بیرجند

زهرا علیزاده بیرجندی، * زهرا نادى**

چکیده

بانک شاهنشاهی ایران که پس از امتیاز رویتر تاسیس شد، شعبات متعددی را در شهرهای مختلف ایران دایر نمود. از زمان تأسیس شعب بانک شاهی انگلیس در شهرهای ایران، میان بانک و طبقات گوناگون اجتماعی مراداتی وجود داشت که نوع این مرادوات بر اساس شأن طبقاتی و موقعیت افراد متفاوت بوده است. یکی از این شعب، بانک شاهی بیرجند می‌باشد. با تأسیس این شعبه‌ی بانک در بیرجند، امور تجاری - بازرگانی و مبادلات مالی - اعتباری این منطقه بر عهده‌ی این مؤسسه قرار گرفت. در همین راستا، روابط این شعبه با سه قشر حاکمان محلی، تجار و مردم عادی شکل گرفت. این بانک در کنار روابط دوستانه با حکام و کارگزاران این منطقه، امور مالی و اعتباری این افراد را در دست داشت و کالاهای سفارشی آنان را نیز تأمین می‌کرد و در مقابل تأمین مستحفظ و امنیت رؤسا، کارمندان و کاروان‌های بانک بر عهده‌ی حاکم محلی بود. این بانک همچنین، بسیاری از نقل و انتقالات امور نقدی و غیر نقدی تجار و مردم عادی را نیز با شعبه‌های دیگر بر عهده داشت. افزون بر این روابط اعتباری، بانک گاهی به عنوان واسطه در اختلافات شخصی، ملکی و مالی که میان مردم و حکام رخ می‌داد، دخالت می‌کرد. این مقاله به بررسی و تحلیل مناسبات بانک با (امرای محلی، تجار، مردم عادی) و ارزیابی عوامل مؤثر در این تعاملات اختصاص دارد. واژه‌های کلیدی: بانک شاهی انگلیس، بیرجند، اف.هیل، حاکمان محلی، تجار، مناسبات مالی و اعتباری.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند. (zalizadehbirjandi@gmail.com)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بیرجند. (nadi.zahra90@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۱۰ - تاریخ تأیید: ۹۱/۱۱/۲۴

مقدمه

بانک شاهی شعبه‌ی بیرجند در ۱۳۳۱ق. / ۱۹۱۳م. تأسیس شد. ریاست این شعبه را همانند سایر شعبه‌ها، انگلیسی‌ها بر عهده گرفتند. اف. هیل^۱ به مدت سه سال رئیس این بانک بود و بعد از وی ولکینس^۲ و جانسون^۳ این منصب را عهده‌دار شدند. سمت تحصیل‌داری و مترجمی بانک را ایرانیان در دست داشتند. شعبه‌ی بانک شاهی بیرجند به سرعت توانست اعتماد عمومی را جلب نماید و امور و روابط تجاری و نقل و انتقالات را در منطقه به دست گیرد. این بانک تا سال ۱۹۲۲ در بیرجند فعالیت داشت. بعد از یک تعطیلی موقت سه ساله، مجدداً از ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۰ به فعالیت خود در این منطقه ادامه داد. در این مقاله با استناد به اسناد تلاش می‌شود نحوه‌ی ارتباط و مناسبات شعبه‌ی بانک شاهی با حاکمان، تجار، مردم و شعبه‌های اطراف مورد بررسی قرار گیرد و به شیوه‌ی تحلیلی به این سؤال پاسخ داده شود که مناسبات بانک شاهی با طبقات اجتماعی در بیرجند چگونه بوده و چه عواملی بر این مناسبات تأثیر گذاشته است؟

در این پژوهش، برای بررسی فعالیت شعبه‌ی بانک شاهنشاهی بیرجند علاوه بر اسناد منتشر شده در کتاب‌های سند، همانند اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق که توسط مرکز اسناد آستان قدس منتشر شده و مجموعه‌ی کتاب *آبی*؛ جلد اول تا هفتم، اسناد منتشر شده‌ی انگلستان به کوشش محمد بشیری، تعدادی از اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی و اسناد موجود در بایگانی وزرات امور خارجه و روزنامه‌ها و نشریات آرشیوی دوره‌ی مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، از اطلاعات آگاهان محلی نیز بهره برده‌ایم. همچنین سفرنامه‌ها و کتب خاطرات ایرانیان و مأموران خارجی همانند نامه‌هایی از قهستان، *خاطرات احتشام السلطنه*، *روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)*، *خاطرات کننل کاساکوفسکی*، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است. افزون بر این، از تحقیقات جدید پیرامون روابط خارجی، تاریخ روابط اقتصادی و استعمار؛ نظیر، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان از دنیس رایت، *تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان از مظفر شاهی*، سرزمین سوخته دیپلماسی بریتانیا در سیستان

1. F. Hale
2. Vlkyms
3. Johnson

تعاملات و مناسبات بانک شاهی انگلیس با طبقات اجتماعی ایران ۵۱

از رئیس طوسی، *Banking and Empire in Iran* از جفری جونز، و ... برای درک بهتر رقابت‌های روس و انگلیس استفاده شده است.

البته بنیاد این تحقیق، بنا بر ماهیت موردی آن و کمبود منابع کتابخانه‌ای بر مبنای اسناد آرشیوی استوار است. از آنجایی که آوردن تمامی اسناد مورد مطالعه در مقاله‌ی حاضر مقدور نبود از این‌رو به شیوه‌ی گزینشی برخی از اسناد مربوط، مبنای مطالعه قرار گرفته است.

مناسبات بانک شاهی با طبقات اجتماعی در ایران

قبل از ورود به بحث تعاملات بانک شاهی، بهتر است پیشینه‌ی مختصری درباره‌ی بانک و عملکرد آن بیان شود. امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی ایران در ۱۸۸۹ به انگلیسی‌ها اعطا شد. بر اساس روایت جونز در *Banking and Empire in Iran* میرزا حسین خان سپهسالار و مشیرالدوله در راستای اجرای برنامه‌ی اصلاحات در ایران در سال ۱۸۷۰ امتیازی را به رویتر، یکی از اتباع دولت بریتانیا، اعطا نمودند. در واقع، هدف و نیت آنان از اعطای این امتیاز، بهبود وضعیت حمل و نقل و راه‌های ارتباطی، ریشه کن کردن فقر در ایران، گسترش صادرات و امور تجاری و در نهایت نجات ایران از بحران‌های ایجاد شده بود، اما این امتیاز به دلایل عدیده با مخالفت رو به رو و ملغی اعلام شد.^۱ هفده سال بعد، دولت ایران در برابر ادعای خسارت رویتر، امتیاز بانک شاهنشاهی را به وی واگذار کرد.^۲ بنا به گفته‌ی جونز طرح تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران توسط رویتر در ۱۲۹۲ ق (۱۸۷۵)، تهیه و تنظیم، و به وزرات خارجه انگلستان تسلیم شده بود تا با مطالعه‌ی کارشناسی، زمینه‌ها و چگونگی پیاده کردن این طرح در ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.^۳

1. Geoffrey Jones, (1986), *Banking and Empire in Iran*, Vol.1, London: Cambridge University, pp. 3-5.

۲. در کتاب‌های مختلف که به بررسی تاریخ اقتصادی و یا استعمار انگلیس پرداخته‌اند به روند امتیاز رویتر و تشکیل بانک شاهی در ایران اشاره شده است؛ در این زمینه نک: فریدون آدمیت، (۱۳۵۱)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی، صص ۳۴۹-۳۳۵؛ مظفر شاهدهی، (۱۳۸۷)، *تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان در ۱۸۸۸ تا ۱۹۵۲*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، صص ۹۷-۳۵.

۳. همان، ص ۴۸.

بانک شاهی را انگلیسی‌ها با استفاده از تجارب بانکداری خود در سایر مستعمرات توانستند به راحتی اداره نمایند. بریتانیایی‌ها با استفاده از این مؤسسه در بسیاری از امور دولت ایران دخالت کرده و از آن به عنوان ابزاری برای نفوذ بهره برداری نمودند. با وجود این که استقرار این بانک و شعباتش در ابتدا با مخالفت‌هایی از سوی عموم مردم بویژه تجار و صرافان رو به رو گردید، اما با گذشت زمان توانست امور تجاری، مالی و بانکی قشرهای مختلف جامعه‌ی ایران را به دست گیرد. از این رو می‌توان تعاملات بانک شاهنشاهی با طبقات اجتماعی ایران را در کارکردهای اقتصادی، سیاسی و نظامی آن مشاهده کرد. این بانک، وظایف بانک مرکزی را در ایران به عهده داشت و مرکز امور مالی کشور بود. از این رو، وجوه خزانه را در حساب خاصی نگهداری می‌کرد، مال الاجاره‌ی گمرکات و عواید مالیاتی را دریافت و هزینه‌های دولتی را به شهرستان‌ها می‌فرستاد و هم‌چنین به دولت وام پرداخت می‌کرد. ضرب سکه و خرید نقره برای ضربخانه، چاپ و نشر اسکناس نیز از وظایف این بانک بود.^۱ بنابراین پس از تأسیس در ایران، شروع به ارائه‌ی خدماتی همانند اعطای وام به طبقات مختلف اجتماعی از جمله شاه، درباریان، رجال محلی، علما، نظامیان، تجار و افراد متنفذ نمود.^۲ برای نمونه ناصرالدین شاه برای تأمین هزینه‌های دربار و سایر امور جاری از بانک شاهی مبالغی اخذ کرد. عین السلطنه در روزنامه‌ی خاطرات خود بارها به این قضیه اشاره نموده است: «شاه به جاجرود تشریف بردند. گویا دوازده شب بمانند. برای این سفر گفتند که هشت هزار تومان از بانک شاهنشاهی استقراض کردند.»^۳ حتی کاساکوفسکی اشاره می‌کند که شاه برای تأمین مخارج پنجاهمین سالگرد سلطنت خود یکصد و سی هزار تومان از رابینو قرض کرد.^۴ رجال محلی نیز به دلیل نفوذی که در منطقه‌ی حکمرانی خود داشتند از دیگر مشتریان سرآمد

-
۱. منیژه ربیعی رودسری، (۱۳۸۰)، بانک و بانکداری در ایران - از ایران چه می‌دانم / ۱۴، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۴۵.
 ۲. عبدالحسین دانشپور، (بی‌تا)، بانک شاهنشاهی و امتیاز/ وجود بانک شاهنشاهی مانع نمو بانک ملی است، تهران: نامه مظفر، صص ۱۷-۱۸.
 ۳. عین السلطنه، (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، ج ۱، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، صص ۸۷۴ - ۸۶۶.
 ۴. و. ا. کاساکوفسکی، (۱۳۵۵)، خاطرات کننل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: سیمیرغ، ص ۲۶.

تعاملات و مناسبات بانک شاهی انگلیس با طبقات اجتماعی ایران ۵۳

بانک بودند. آنان اموال و دارایی‌های منقول و غیر منقول دولتی را تصرف و سپس طی برخی معاملات مشکوک آن را به مالکیت بانک در می‌آوردند، چنان‌که در ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق. کارگزار فارس گزارش داد: «قومی‌ها جهت حفظ املاک خودشان تدبیری نموده‌اند و می‌خواهند که آن را به چند نفر که عنوان تبعیت انگلیس دارند [کارمندان بانک] اجاره دهند.»^۱ هم‌چنین در ۱۳۰۰ ش. که حکومت در صدد برآمد به حساب‌های مالی شیخ خزعل رسیدگی کند، روشن شد که وی بخش‌هایی از اراضی خالصه‌ی دیوانی محمره را به طور غیر قانونی تصرف و سپس به بانک شاهنشاهی انتقال داده است.^۲ بانک شاهنشاهی به نظامیان نیز خدماتی ارائه می‌کرد. به عنوان نمونه برای قراسواران یک دفتر مخصوص در بانک شاهنشاهی ایران در تهران ایجاد، و مقرری آنان را تحت نظارت خزانه‌دار کل پرداخت می‌نمود.^۳ پرداخت مقرری سفارت‌خانه‌ها، جنرال کنسولگری‌ها، مخارج ایاب و ذهاب مامورین و پرداخت حقوق جاسوسان نیز از دیگر خدمات بانک بود.^۴

مناسبات بانک شاهی با طبقات اجتماعی در بیرجند

تعاملات شعبات بانک در شهرستان، تابع شعبه‌ی مرکزی بود ولی به سبب کوچک‌تر بودن محیط اجتماعی شهرستان‌ها، مناسبات به نسبت محدودتری با طبقات اجتماعی برقرار بود. از این‌رو، مناسبات مالی و اعتباری بانک شاهی بیرجند، بر اساس اسناد، به روابط با حکام محلی، تجار و مردم تقسیم می‌شود. حکام و امرای محلی به عنوان نماینده‌ی دولت مرکزی در رأس هر قدرت منطقه قرار داشتند و به دلیل برخورداری از این جایگاه و التزام به همکاری و یاری اتباع خارجی مقیم منطقه‌ی خود، جزو اولین گروه‌هایی بودند که با بانک ارتباط برقرار کردند. مناسبات امرا و روسای بانک، ارتباطاتی دو سویه و بنا بر مقتضیات

۱. منصور نصیری طیبی، (۱۳۸۴)، *ایالت فارس و قدرت‌های خارجی از مشروطیت تا سلطنت رضاشاه*، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، صص ۱۱-۱۲.

۲. *تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان*، ص ۲۸۳.

۳. عین الله کیانفر و پروین استخری، (۱۳۶۳)، *کشف تلبیس یا دورویی نیرنگ انگلیس از روی اسناد محرمانه انگلیس در باب ایران*، تبریز: احیا، ص ۷۹.

۴. پرواند آبراهامیان و دیگران، (۱۳۸۳)، *جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، ص ۸۲؛ اسماعیل راثین، (۱۳۵۳)، *میرزا ملکم خان زندگی و کوشش‌های سیاسی او*، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفیعی شاه، ص ۵۶.

آن زمان بود که خود چندین حوزه را در برمی‌گیرد. خدمات این بانک به حکام محلی در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

الف) بخشی از فعالیت بانک شاهی بیرجند، شامل حساب‌رسی به دخل و خرج، وصول بدهی‌های حکام محلی می‌شد. بانک از طریق حساب جاری و مخصوصی که برای رجال و دولتمردان عالی‌رتبه و حکام محلی باز می‌کرد، برای دارنده‌ی حساب، گشایش اعتبار می‌کرد و کلیه‌ی امور مالی، تجاری، وصول بدهی‌ها و نقل و انتقالات حساب او را خود انجام می‌داد.^۱ برای نمونه برخی از اسناد، بیانگر اعلام وصول بدهی شوکت‌الملک در زمان هیل، و نقل و انتقالات حساب وی در زمان جانسون می‌باشد.^۲

ب) بخش دیگری از فعالیت‌های بانک در ارتباط با حاکمان محلی، مربوط به خریداری کالاهای مورد نیاز آنان بود که مسئولیت حمل و نقل آن را امرای محلی بر عهده‌ی بانک گذاشته بودند. بانک بعد از اتمام کار، سند مزبور را که هزینه‌های کالای مورد نیاز را در برداشت در اختیار حاکم وقت قرار می‌داد. از بررسی مکاتبات میان بانک شاهنشاهی و امرای محلی می‌توان اطلاعاتی از کالاهای مورد نیاز حکام را به دست آورد. در این زمینه نامه‌ای از سوی رئیس بانک شاهنشاهی؛ هیل، به شوکت‌الملک نوشته شده که بیانگر نحوه‌ی انجام سفارش کالا و مراحل اجرای آن است، در این نامه آمده است: «خدمت ذی‌سرافت جلالتماب اجل اکرم افخم ارفع عالی دوستان استظهار مشفق مکرم محترم مهربان سرکار امیر شوکت‌الملک فرمانفرمای ایالت شرق دام اقباله. با کمال توقیر و احترام عرض می‌شود دو قطعه نمک فرستاده بودند واصل گردید وجه دو قطعه نمک به قراری است که ذیل معروض می‌شود. رسید را مرقوم فرمایند نمک تربت مبلغ چهار هزار و پانصد و هفتاد و هفت تومان لفا انقاد گردید خواهش دارم رسید نمک مزبوره مرقوم فرمائید زیاده عرض ندارم.

نزول دو قطعه نمک به تاریخ فوق پنج هزار و پانصد و هفتاد و هفت تومان است.

امضا اف. هیل»^۳

۱. تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، ص ۳۸۴.

۲. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱، ۷۰۴۹۷، ۱۳۳۳ق؛ همان، سند شماره ۳، ۲۵۹۸۷، ۱۳۴۷ق.

۳. همان، سند شماره ۱، ۹۰۸۳، ۱۳۳۳ق.

بانک علاوه بر این کالاها در مواردی، سفارش خرید اتومبیل برای امرای محلی را نیز دریافت می‌کرد. حاکمان محلی برای انجام امور مالی و تجاری خود تنها به شعبه‌ی بانکی شهر خود اکتفا نمی‌کردند، بلکه با شعب دیگر نیز ارتباط داشتند. برای نمونه شوکت‌الملک برای تأمین تریاک مورد نیاز خود، از رئیس بانک شاهی شعبه‌ی سیستان تقاضای خریداری و فرستادن آن را کرده است. این مسأله، گستردگی قلمرو فعالیت شعب بانک و مداخلات و نفوذ آن‌ها را در امور تجاری و محلی نشان می‌دهد.^۱

ج) کارکرد عمده‌ی بانک شاهی؛ دادن وام و تأمین اعتبارات لازم به حکام محلی بود. این امر سبب تقویت جایگاه بانک در منطقه، نفوذ در حکام محلی و استفاده از آن به عنوان یک اهرم فشار بود که اگر زمانی حاکم محلی برخلاف منافع آنان دست به کاری زنده با درخواست وصول بدهی، او را تحت فشار قرار دهند و این‌گونه بتوانند عملکرد و حاکمیت او را در منطقه، تحت کنترل و مطابق میل خود پیش ببرند. ضمن آن‌که حکام دارای املاک، اراضی کشاورزی و مستغلات گسترده‌ای بودند و به لحاظ اقتصادی نیز تأمین‌کننده‌ی اهداف مدیران بانک شاهنشاهی محسوب می‌شدند.^۲ از جمله حکام معروف، ظل‌السلطان در اصفهان و شیخ خزعل در محمره، که برای مقاصد سیاسی، وام‌های کنترل شده‌ای به آنان داده شد. حکمرانان قاینات و سیستان نیز به دلیل رقابت روس و انگلیس تحت حمایت مالی انگلستان بودند و این ارتباطات در دوره‌ی مشروطیت شکل جدی‌تری به خود گرفت.^۳

در جریان اختلاف حسام‌الدوله و شوکت‌الملک برای به دست آوردن حکمرانی قاینات، مساعده‌های بسیاری از سوی دو بانک استقراضی و شاهی به این دو اعطا شد، هر کدام رشوه‌ی بسیاری را به دولت می‌دادند، تا بتوانند حکومت آن منطقه را به دست آورند. در واقع، سیاست بانک در جهت منافع سیاسی و اقتصادی آن قرار داشت، چنان‌که بانک شاهی با اعطای کمک‌های مالی و حمایت از حسام‌الدوله در نظر داشتند او را از دوستی و نزدیکی با روس‌ها بر حذر دارند. هاردینگ در تلگرافی به لرد لنزدان در این خصوص گزارش داد: «حکومت سیستان به حشمت پیشنهاد شده است. او نیز می‌کوشد حکومت قاین را هم به دست آورد و چشم‌انداز موفقی هم در پیش است. برای این کار، او مرهون

۱. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲، ۸۶۷۹، ۱۳۳۳ق.

۲. تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، ص ۲۴۷.

۳. همان، صص ۲۴۹-۲۴۷.

مبلغ سنگینی است که به وزرا و درباریان پرداخته است. او در رابطه با رشوه‌هایی که قول داده است، درخواست یک قرض نهصد پوندی از بانک هند کرده است که دوست دارد من آن را ضمانت کنم. هاردینگ ادامه می‌دهد که حشمت‌الملک به وی نوشته است که اگر از ضمانت پرداخت این پول خودداری کنم و یا در جواب او تأخیر ورزم، روس‌ها قدم پیش خواهند گذاشت و این کار را برای او انجام خواهند داد.^۱ این مطلب نشان می‌دهد که امرای محلی از رقابت‌های روس و انگلیس در جهت تثبیت قدرت خود بهره می‌بردند، اما زمانی که حسام‌الدوله جهت‌گیری خود را به سمت روس‌ها تغییر داد، بریتانیا سعی کرد از شوکت‌الملک حمایت نماید.

امرای محلی برای به دست آوردن حکومت محلی ناگزیر به پرداخت رشوه‌های کلان می‌شدند. این امر نیز از مواردی بود که حاکمان محلی را با بانک پیوند می‌داد. محمد ابراهیم خان شوکت‌الملک دوم نیز برای رسیدن به حکومت قاینات به دلیل پرداخت رشوه‌های سنگین، گرفتار مشکلات مالی زیادی شد، تا جایی که مجبور شد مبلغ پنجاه هزار تومان از بانک شاهی شعبه‌ی مشهد وام بگیرد.^۲ مأمور شوکت‌الملک در تهران، میرزا بابا غالباً از طریق تلگراف‌های ارسالی در مورد وصول پول به مرکز، اطلاعات لازم را به شوکت‌الملک می‌داد. بنابراین به سبب رقابت در پرداخت رشوه‌های سنگین در تهران، شوکت‌الملک ناچار شد علاوه بر مبلغ پنج هزار تومان که از هاوسن،^۳ مأمور بانک شاهی انگلیس، در بیرجند قرض کرده بود، مجدداً درخواست وام نماید. از این رو، مک موری^۴ مدیر شعبه‌ی بانک شاهی در سیستان به هاوسن اجازه‌ی پرداخت یک وام موقتی دو هزار تومانی دیگر را صادر کرد.^۵ این تحول، نشانگر مرحله‌ی نوینی در تاریخ وابستگی‌های خارجی امیران خزیمه بود، دورانی که در آن دو امیر خزیمه در روابط خارجی خود به تغییر موضع پرداختند. شوکت‌الملک دوم به تدریج وارد روابط خوبی با بریتانیا شد، در حالی که حشمت‌الملک دوم به آهستگی به سوی روس‌ها رفت.^۶

۱. رضا رئیس طوسی، (۱۳۸۵)، سرزمین سوخته دیپلماسی بریتانیا در سیستان، تهران: گام نو، صص ۱۸۰-۱۷۳.

۲. پیروز مجتهدزاده، (۱۳۷۸)، *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: شیرازه، ص ۲۲۶.

3. Howson

4. Mc Murray

۵. سرزمین سوخته دیپلماسی بریتانیا در سیستان، صص ۱۸۹-۱۸۸.

۶. *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*، ص ۲۲۶.

افزون بر روابط تجاری و مبادلات مالی، بخشی از مناسبات میان بانک و حاکم، مربوط به امور اداری بانک و روند کاری آنان می‌شد. با توجه به ضرورت تأمین امنیت بانک، بخشی از این مکاتبات مبنی بر درخواست مستحفظ برای بانک بود و مسئولیت تأمین این امر بر عهده‌ی حاکم و نایب الحکومه قرار داشت. این نیرو غالباً از میان افراد بومی منطقه تأمین می‌گردید و بانک نیز مقرری آنان را که از سوی حاکم و نایب الحکومه‌ی منطقه تعیین می‌گردید، تقبل می‌نمود. در آن زمان حقوق هر نگهبان بالغ بر سی شاهی در روز بود.^۱ البته درخواست مستحفظ فقط برای ساختمان بانک و محموله‌های آن نبود، بلکه زمانی که خود کارمندان بانک، تصمیم به مسافرت به منطقه‌ای داشتند و یا به مأموریت می‌رفتند، دولت وظیفه‌ی تأمین امنیت آنان را در برابر راهزنان، دزدان و در طول جنگ جهانی در برابر آلمانی‌ها بر عهده داشت. اف. هیل در نامه‌های خود به مسأله‌ی محافظان و امنیت اشاره می‌کند: «در بیدخت ناچار بودم مستحفظ‌های خود را عوض کنم بنابراین قاصدی نزد کدخدای ده مجاور فرستادم و پشت سوار، قاصد دیگری، تا فوریت امر را روشن ساخته باشم. بالاخره اواخر شب بود که ۴ نفر خود را معرفی کردند. همراه سه نفر مستحفظ حدود نیمه‌ی شب که ماه در شرف غروب کردن بود حرکت کردیم و ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح روز بعد به خضری رسیدیم.»^۲

امرای محلی غالباً امنیت مسافران و محموله‌های بانکی را در قلمرو خود تأمین می‌نمودند و مستحفظان نیز موظف بودند تا آخر خاک قلمرو حاکم محلی، آن‌ها را همراهی و تحویل منطقه‌ی مجاور نمایند. از این رو تأمین مستحفظ مجدد که مستلزم زمان و وقت بسیاری بود مشکلات بسیاری را در حمل قافله‌های بانکی و رفت و آمد مأموران دولتی ایجاد می‌کرد. بنابراین بانک می‌بایست از قبل با حاکم مناطقی که کاروان‌های بانک، از قلمرو آنان عبور می‌کرد، مکاتبه و درخواست مستحفظ می‌نمود یا از حاکم محلی یک منطقه درخواست می‌کرد که مستحفظان خود را ملزم به همراهی قافله تا رسیدن به مقصد نماید. امرا اگرچه با این درخواست موافقت می‌نمودند، اما یادآور می‌شدند که مسئولیت

۱. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱، ۹۲۲۰، ۱۳۳۱ق.

۲. اف. هیل، (۱۳۷۸)، *نامه‌هایی از قهستان*، ترجمه محمد حسن گنجی، مشهد: مرکز خراسان شناسی آستان قدس، صص ۲۳-۲۴؛ سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، (۱۳۸۰)، *اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق*، به کوشش الهه محبوب فریمانی، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ص ۲۹۸.

وقوع هیچ حادثه‌ای را خارج از قلمرو خود نمی‌پذیرند.^۱ در آن زمان به علت ناامن بودن راه‌ها، بخصوص راه‌های بین تهران و مشهد که در معرض راهزن‌های ترکمن و راه‌های مشهد به جنوب خراسان که میدان تاخت و تاز افغان‌ها و گاهی هم بلوچ‌ها بود، اولیای حکومت مرکزی و حکام محلی ناچار بودند امنیت مسافران خارجی و کاروان‌های آنان را حفظ کنند و این امر احتمالاً وظیفه‌ای بود که با وجود کاپیتولاسیون و قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران به مناطق نفوذ دو دولت استعمارگر روس و انگلیس برای دولت ایران مقرر شده بود.^۲

علاوه بر مناسبات مالی و اداری، حکام با رؤسای بانک و دیگر کارگزاران خارجی روابط دوستانه‌ای نیز داشتند. این امر از فحوای کتاب اف. هیل و اسناد به وضوح درک می‌شود. اف. هیل در کتاب خود، به دعوت شوکت‌الملک از وی برای صرف شام، بازی بریج،^۳ شکار و گاهی مسافرت به اطراف بیرجند اشاره کرده است. حتی زمانی که شوکت‌الملک در جریان عدم دخالت در ورود آلمانی‌ها به این شهر، عزل شد و مدتی حسام‌الدوله امور را به دست گرفت باز هم این مهمانی‌ها برقرار بوده است. هم‌چنین از اسناد به دست آمده روشن می‌شود که همسر جانسون، رئیس بانک شاهی بیرجند، به نام گلا دیس آر. جانسون^۴ روابط دوستانه‌ای با شوکت‌الملک داشته و نامه‌هایی از او باقی مانده است که نشان‌دهنده‌ی تداوم روابط شوکت‌الملک با رئیس بانک شاهی بعد از اف. هیل می‌باشد. در ذیل به یک نمونه از این نامه‌ها که توسط همسر جانسون به شوکت‌الملک نوشته شده است، اشاره می‌شود: «شنبه: سرکار عزیز، مهمانی تیراندازی برای همه‌ی کسانی که به مهمانی علاقه‌مندند بسیار دلپذیر است. آقای کیجر با خانمشان با ماشین خواهند آمد و همسرم بسیار مایل به سواری است به شرطی که شما اسبی برایش بیاورید. می‌توانید برایش اسلحه‌ای هم بیاورید؟ در این صورت همه اسلحه خواهیم داشت. برای ترتیب دادن این مهمانی از شما بسیار سپاسگزارم و برای مادرتان آرزوی سلامتی دارم. خداحافظ گلا دیس جانسون»^۵

۱. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۳۲-۱۹-۲۳-۱۳۳۱ق.

۲. نامه‌هایی از قهستان، ص ۲۵.

۳. بریج: بازی فکری با کارت است که مستلزم آموزش فراوان است.

4. Gladys. R. Johnson

۵. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۶۷، ۲۵۹۷۳، ۱۳۴۴ق.

حکام محلی مسئولیت داشتند بر طبق دستور دولت، از کارگزاران خارجی، روسی و بریتانیایی، در منطقه‌ی خود حفاظت، و روابط مسالمت‌آمیزی با آنان داشته باشند و مدیران محلی شعب بانک شاهنشاهی در شهرستان‌ها، علاوه بر وظایف بانکداری، به برخی امور سیاسی و دیپلماتیک نیز مبادرت می‌ورزیدند؛ و گاهی نمایندگی سیاسی برخی کشورهای خارجی را در حوزه‌ی خدمت خود متقبل می‌شدند.^۱

از دیگر مشتریان بانک شاهی در بیرجند، تجار و بازرگانان بودند که به دلیل موقعیت مناسب تجاری بیرجند و رونق بازرگانی در آن، از طبقات برجسته‌ی شهر محسوب می‌شدند. هم‌چنین قرار داشتن بیرجند، بر سر راه‌های تجاری جنوب، کرمان، مشهد و همجواری با هندوستان، باعث حضور تاجران شهرهای دیگر و از جمله اقامت بسیاری از هندی‌ها در این شهر شده بود. روابط بانک با تجار بر اساس اسناد و مدارک بر جای مانده به نسبت روند مثبت و دوستانه‌ای داشت. برای نمونه در ابتدای تأسیس بانک بیرجند، یکی از تاجران به نام علی اکبر بیرجندی، محلی را که تجارتخانه‌ی وی بود را برای اداره‌ی بانک به انگلیسی‌ها اجاره داد،^۲ و هم‌چنین محمدحسن ملک‌التجار پسر ملک‌التجار بیرجندی به عنوان یکی از کارمندان بانک در سمت معاون و منشی به این شعبه خدمت نمود.^۳ اف. هیل هم در کتاب خویش به روابط دوستانه‌ای که با ملک‌التجار داشته است اشاره می‌کند.^۴ همراه با این روابط دوستانه و همکاری تجار در پیشبرد فعالیت و امور بانکی، بانک نیز بخشی از فعالیت‌های مالی تجار را در وصول بدهی‌ها و برات‌های آنان بر عهده داشت. شعبه‌ی بانک بیرجند که با شعب دیگر در ارتباط بود بدهی‌های تجار بیرجندی به سایر شعبات بانک را پیگیری و روند اداری در وصول یا تمدید پرداخت آن‌ها را به نیابت از تجار طی می‌کرده است. این مسأله در روابط مالی بانک بیرجند و امین‌التجار که به بانک شاهی مشهد مقروض بوده، اتفاق افتاده است.^۵

۱. سعید سیرجانی، (۱۳۶۱)، وقایع اتفاقیه، گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۲ قمری، تهران: نشر نو، ص ۴۷۱.

۲. مصاحبه با عبدالحسین گلشنی، تاجر قدیمی فرش، فروردین ۱۳۹۱.

۳. نامه‌هایی از قهستان، ص ۶۶.

۴. همان، صص ۸۹ - ۵۸.

۵. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱، ۳۸۶۱، ۱۳۳۳ ق.

بانک در مورد فعالیت خود و ارتباط با طبقات مختلف اجتماعی از جمله تجار موفق شد تا حدودی اعتماد آن‌ها را جلب نماید. البته همواره تعاملات بانک این‌گونه نبود و در مواردی مخالفت‌هایی از سوی تجار و صرافان در برابر فعالیت‌های بانک رخ می‌نمود که سبب اختلال در فعالیت بانک می‌شد. پیش از تأسیس بانک، صراف‌ها در اقتصاد کشور نقش حیاتی داشتند، زیرا بیشترین پول نقد یک شهر، در دست صراف‌های همان شهر بود. به دلیل مشکلات بسیار در حمل و نقل سکه‌ها و کمبود نقدینگی در گردش، بازرگانان برای اداره کارهای تجاری خود به صراف‌ها اتکا داشتند و هر بازرگان، صراف مخصوص به خود را داشت که امور مالی وی را سامان می‌داد. مسافران خارجی که به ایران می‌آمدند نیز از خدمات صرافان بهره می‌بردند، چرا که حمل مقادیر زیاد پول و مسکوک مخاطره‌آمیز بود.^۱ به عنوان نمونه ادوارد براون مستشرق و ایرانشناس معروف در سفرنامه خود به سال ۱۸۸۸ اشاره کرده است که هنگام سفر به شهرهای مختلف ایران، براحتی پول خود را در شهرهای مختلف دریافت می‌کرده است: «سی تومان (۱۰ لیره) از حساب هزینه‌ی سفرم برداشتم و آن را به براتی تبدیل کردم که برای اردشیر مهران، تاجر بزرگ زرتشتی یزد صادر شده بود و هنوز ۱۴۶/۵ تومان (تقریباً ۴۵ لیره) در حسابم باقی مانده بود.»^۲ در سرتاسر سفر یک ساله ادوارد براون، وی براحتی در شهرها پول خود را نقل و انتقال می‌داده یا برات و حواله از صرافان دریافت می‌کرده است، حتی هنگامی که وی کشور را از طریق مرز دریایی مشهدسر - بابلسر فعلی - ترک می‌کند و به باکو می‌رسد، در آنجا صرافی ایرانی، پول ایرانی وی را به پول روسی تبدیل می‌کند.^۳

عده‌ای از صرافان در اغلب شهرهای ایران نمایندگانی داشتند و تقریباً در سراسر کشور فعالیت می‌کردند. افزون بر این، بعضی از مؤسسه‌ها که قدرت مالی و شهرت بیشتری داشتند، با گشایش حساب در بانک‌های بزرگ خارجی یا تعیین طرف در خارج و فرستادن نماینده به مراکز عمده تجارت، از قبیل شهرهای بمبئی، هنگ‌کنگ، مارسی، پاریس، لندن، وین، مسکو، اودسا، بصره، بیروت، بغداد، اسلامبول، ترابوزان، عشق‌آباد، بادکوبه، هرات و... دایره عملیات خود را بیش از اسلافشان در بازارهای بین‌المللی توسعه

۱. شیرین مهدوی، (۱۳۷۹)، حاج محمد حسن کمپانی امین‌الضرب، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیر خانی، تهران: تاریخ ایران، صص ۴۹-۴۷.

۲. ادوارد براون، (۱۳۸۷)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی، تهران: اختران، صص ۳۶۳.

۳. همان.

داده و از یک سو، واسطه ارتباط پولی و مالی و بازرگانی بین ملت‌های آسیای غربی و از دیگر سو، رابط میان این حوزه‌ی وسیع با جهان خارج بودند.^۱ از این رو، بانک شاهی به واسطه در اختیار داشتن حق انحصاری چاپ اسکناس، صدور حواله و ورود نقره به ایران از یک سو موجب کاهش ارزش پول ایران گردید و از سوی دیگر صنف صراف را ورشکست کرد،^۲ زیرا درآمد صرافان در ایران بیشتر از طریق ارسال و حواله پول تجار از شهری به شهر دیگر و یا خرید و فروش برات صورت می‌گرفت که آنان این کار را در مقابل دریافت حق‌العمل انجام می‌دادند.^۳

صرافان در رقابت با بانک و برای جلوگیری از گسترش اسکناس‌ها، به انتشار برخی اوراق بهادار و اعتبارات پولی دست زدند. چنان‌که خفیه نویسان انگلیس در ۱۶ سپتامبر ۱۸۹۰ طی گزارشی از شیراز در این باره نوشتند: «نوت^۴ بانک [بانک] شاهنشاهی که به شیراز آورده بودند، رواجی نداشت از قرار مذکور نوت‌ها را پس فرستاده‌اند. در شیراز بیجک حاجی میرزا کریم صراف مشکل بگذارد که نوت بانک رواج بگیرد.»^۵ حاجی میرزا کریم صراف در همان اوایل کار توانست در نشر اسکناس‌های بانک شاهی در فارس وقفه ایجاد کند. علاوه بر شیراز در تبریز و بوشهر نیز صرافان دست به اقداماتی مشابه زدند.^۶ در اسناد و مکاتبات شخصی امین‌الضرب نیز به صدور قبض تجارتی از سوی صرافان یزدی در مقابل بانک شاهی و کارشکنی در فعالیت آن اشاره شده است.^۷ وی نیز هم‌چنین اشاره می‌کند که تجار برای فشار وارد ساختن به بانک، نوت و برات بانک را خرید و فروش نمی‌کردند و این‌گونه سبب کساد بازار و اعتراض مردم نسبت به بانک و دولت مرکزی می‌گردیدند.^۸ لیکن فقدان منابع اطلاعاتی درباره واکنش تجار و صرافان بیرجندی در مقابل

۱. محمد نصیری، (۱۳۳۸)، تاریخ سی ساله‌ی بانک ملی ایران، تهران: بانک ملی ایران، صص ۱۸-۱۷.

۲. ابراهیم تیموری، (۱۳۳۲). عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال، ص ۳۴۷.

۳. چارلز جیمز ویلز، (۱۳۶۸)، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین فراگوزلو، تهران: اقبال، ص ۲۳۰.

۴. نوت: اسکناس؛ نک: محمد معین، (۱۳۸۲). فرهنگ معین، تهران: زرین، ذیل لغت نوت.

۵. وقایع اتفاقیه، گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۲ قمری، ص ۳۶۷.

۶. تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، ص ۲۸۳.

۷. اصغر مهدوی و ایرج افشار، (۱۳۸۰)، یزد در اسناد امین‌الضرب، سال‌های ۱۲۲۸ - ۱۳۳۰ ق، تهران: طلایه، ص ۲۵۲.

۸. همان، ص ۲۵۳.

بانک شاهی این منطقه، به منزله‌ی عدم وجود مخالفت از سوی آنان نیست. بدون تردید فعالیت بانک شاهی و رقیبش بانک روس در این منطقه، سبب تضعیف بسیاری از تجار خرده پای محلی گردید و بدون اعتراض و مخالفت همراه نبوده است. به عنوان نمونه تجارت فرش که کالای عمده‌ی این منطقه محسوب می‌شد، کاملاً در دست تجار روسی بود و بانک روس مستقر در بیرجند به سازماندهی تجارت این محصول می‌پرداخت و تقریباً هیچ واسطه‌ای در تجارت این کالا وجود نداشت.^۱ نمونه‌ی فوق نشانگر محدودیت عرصه‌ی فعالیت تجار به سبب اقدامات بانک روس است.

مردم عادی شهر از دیگر مشتریان بانک در این منطقه بودند که روابط آنان بیشتر بر محور اخذ وام و اعتبارات مالی بود. بانک نیز با توجه به میزان توانایی مالی و شغل متقاضیان، اعتباراتی را با شروط سنگین به آنان تقبل می‌نمود. علاوه بر دادن وام‌ها و کمک‌های مالی، گاهی اوقات واسطه‌ی دریافت قروض آنان از اشخاص دیگر می‌گردید و مردم معمولاً برای حل شدن مشکلات مالی خویش به بانک متوسل می‌شدند. گاهی اوقات بانک به نیابت از سوی افرادی که با بانک مراوده داشتند، مکاتباتی را با حکومت محلی و سایر شهرها انجام داده و طلب اشخاص را وصول می‌کرد. زمانی که محمدحسن منشی و تحویل‌دار بانک شاهی بیرجند از یک تاجر تونی^۲ طلبکار بود و وی در پرداخت بدهی خود مسامحه و اظهار ورشکستگی می‌کرد بانک از شوکت‌الملک درخواست پیگیری وصول طلب وی را نمود.^۳ حتی مردم برای حل مشکلات شخصی خود از بانک کمک می‌طلبیدند. در سال ۱۳۳۴ق میرزا غلامرضا، صراف بانک شاهنشاهی، به دلیل مشکلی که با نواب الحاجیه داشت از اف. هیل طلب کمک کرد. در واقع نواب الحاجیه در ازای بدهی غلامرضا، منزل وی را که قیمت آن بیشتر از قروضش بود، تصاحب کرد. نواب الحاجیه هم چنین وی [غلامرضا] را مورد ضرب و شتم قرار داد و تصمیم گرفت این منزل را بفروشد و این مسأله باعث تظلم خواهی غلامرضا از بانک شاهی گردید. اف. هیل از

۱. علی آرامجو، *قاینات در دوره قاجاریه*، به راهنمایی دکتر محمدعلی کاظم بیگی، پایان نامه کارشناسی

ارشد رشته تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷.

۲. یکی از شهرهای قدیم خراسان جنوبی است که امروزه به فردوس شهرت دارد؛ فرهنگ معین، ذیل لغت

تون.

۳. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲، ۸۳۹۹، ۱۳۳۳ق..

تعاملات و مناسبات بانک شاهی انگلیس با طبقات اجتماعی ایران ۶۳

شوکت‌الملک درخواست تحقیقات کرد که چنانچه این داستان حقیقت داشته باشد به امور رسیدگی کند و حق غلامرضا را برگرداند.^۱

البته همیشه روند بانک این‌گونه نبوده است. درست است گاهی اوقات در وصول طلب‌های افراد به آنان کمک می‌نموده، اما خود بانک در وصول طلب‌های خود دچار مشکل بود و به راحتی نمی‌توانسته طلب‌های خود را به دست آورد. با وجود تعهد و تضمینی که بانک از وام‌گیرندگان و ضامن آنان می‌گرفت و موعد پرداخت را معین می‌نمود، ولی باز هم مردم در پرداخت بدهی خود قصور می‌ورزیدند.^۲ چنانچه در سال ۱۳۳۳ق، بانک حدود یک هزار تومان از کربلایی محمدقلی بیگ طلبکار بود و وی از دادن طلب خود طفره می‌رفت. در مواردی از این دست، بانک در وصول بدهی‌های خود مجبور بوده که از شوکت‌الملک، حکمران وقت، کمک بگیرد. حتی گاهی اوقات اتفاق می‌افتاد که کسانی که به بانک بدهکار بودند برای فرار از پرداخت بدهی به دروغ، اعلام ورشکستگی می‌کردند و یا حتی از شهر خارج می‌شدند، در این موارد نه تنها بانک، بلکه حکومت محلی هم نمی‌توانست آنان را پیدا نماید. مشکلات بانک در دستیابی به مطالباتش و مسائلی از این قبیل، ضرر و زیان‌های زیادی به بانک وارد نمود.^۳ گاهی اوقات هم بانک برخی کسانی را که معاملاتی داشت مورد ضرب و شتم قرار می‌داد. برای نمونه، رستم از تجار کرمانشاه که در ادای قرضش به بانک دچار مشکل شد، و مأموران بانک او را با ضرب و شتم، دستگیر، و جهت اخذ وجه بانک به کارگزاری کرمانشاه تحویل دادند.^۴ از این رو، بانک‌ها، قراردادی را مبنی بر کمک در وصول بدهی‌هایشان با امرای محلی منعقد می‌نمودند و تعهد می‌کردند که پس از گرفتن طلب‌های بانک، مبلغی را به عنوان کارمزد به آنها اعطا نماید. این طرح هم از سوی شعبه مرکزی و هم توسط شعب بانک در شهرها و ایالات مختلف کشور به کار گرفته شد و تا درجه‌ی بالایی کارایی داشت و بویژه آن‌که حکام محلی در دریافت بدهی بانک از بدهکاران، از اعمال هر گونه فشار ابایی نداشتند.^۵ احتشام‌السلطنه هم در خاطرات خود اشاره می‌کند که بانک برای پس گرفتن بدهی‌های

۱. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲، ۷۳۰۲۰، ۱۳۳۴ق.

۲. همان، سند شماره ۵، ۹۰۴۱؛ همان، سند شماره ۶، ۹۰۴۱، ۱۳۳۰ق.

۳. همان، سند شماره ۱، ۹۲۱۷، ۱۳۳۳ق.

۴. تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، ص ۲۶۱.

۵. همان، ص ۲۵۷.

خود معمولاً از حکام محلی استفاده می‌کرده و عده‌ای فراش، مسئول و مامور وصول این قروض بودند و مبالغی از بانک به عنوان دستمزد دریافت می‌کردند.^۱ وی که خود از بدهکاران بانک شاهی بوده، در این باره می‌نویسد: «روزی به امر شاه مهدیخان کاشی، آجودان مخصوص به خانه‌ی من آمد که حسب‌الامر برای وصول پول بانک شاهنشاهی آمده‌ام و از اینجا نمی‌روم مگر اینکه پول بانک را بگیرم و برخیزم، کار نزدیک به آبروریزی بود.»^۲ از این رو، به علت مشکلاتی که بانک در وصول طلب‌های خود داشت و زیان‌هایی که به بانک وارد می‌شد، مدتی از قبول برات خودداری کرد. بر اساس اسناد، بانک شعبه‌ی شاهی بیرجند در سال ۱۳۳۳ق. از قبول برات به دلیل آن‌که خریداری برات‌ها مقرون به صرفه نیست، خودداری ورزید. سند ذیل که از سوی رئیس بانک مرکزی شاهنشاهی در تهران خطاب به معاون کل وزارت خارجه‌ی ایران صادر شده، موید مطالب فوق است:

«در جواب مراسله‌ی شریفه مورخه ۱۹ شهر حال، خاطر شریف را مسبوق می‌سازیم که ما از آن بابت اطلاعی نداریم و فقط تصور می‌کنیم که اگر بانک بیرجند برات نمی‌خرند می‌بایست به این واسطه باشد که خرید برات برای آنها صرف نمی‌کند ولی چنان چه مستطاب عالی از شرح و تفصیل آن برات ما را مطلع سازید شاید ما بتوانیم دقت نظری در این کار بنمائیم. زیاده زحمت است.»^۳ با توجه به مطالب فوق می‌توان به تأثیر مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در مناسبات و خدمات رسانی شعبه‌ی بانک شاهی بیرجند به طبقات مختلف این شهر اشاره کرد. ارتباط این بانک با امرای محلی به دلیل شأن و جایگاه اجتماعی آنان و ارتباط نزدیکشان با حکومت مرکزی دوستانه و مشتمل بر احترام متقابل بود. برقراری حساب‌های شخصی برای امرا و رسیدگی به دخل و خرج آنان از جمله‌ی این تفاوت‌ها می‌باشد.

از خدمات دیگر بانک، تهیه‌ی کالا و وام دادن به اقشار مختلف مردم بود که با توجه به طبقه‌ی مورد نظر متفاوت عمل می‌کرد. به عنوان مثال در تهیه‌ی کالاهای سفارشی، به دلیل برخورداری حاکمان و گاهی اوقات تاجران بزرگ از سرمایه‌های مادی کلان، که این امر

۱. محمود احتشام السلطنه، (۱۳۷۰)، *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش محمد مهدی موسوی، تهران: زوار، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۱۷۹.

۳. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۲۳-۵۹-۳۴-۱۳۳۳ق.

هم ناشی از همان جایگاه طبقاتی آنان بود به سرعت به خواسته‌های آنان جامه‌ی عمل می‌پوشاند. در سیستم وام‌دهی و وصول مطالبات هم این امر به وضوح دیده می‌شود. بانک، زمانی که وام گیرنده‌ی آن از امرای محلی بود به دلیل مقتضیات سیاسی بدون مخالفت و یا سختگیری، وام یا همان کمک هزینه را در اختیار حاکم قرار می‌داد، اما در برخورد با تجار و مردم عادی با گرفتن تعهدات و داشتن ضامن و یک سری تحقیقات که آیا وام گیرنده توانایی پرداخت آن را خواهد داشت اقدام به پرداخت می‌کرد. هم‌چنین در روند اخذ مطالبات خود، نسبت به امرا با فرستادن نامه‌های رسمی زمان سر رسید وام‌ها را اعلام می‌کرد، اما در برخورد با سایر طبقات گاهی اوقات به زد و خورد و آبروریزی همان‌گونه که اشاره شد، منتهی می‌گردید. یکی دیگر از عوامل مؤثر در متفاوت عمل کردن بانک در خدمات رسانی به حاکمان به علت خدمات متقابل؛ همانند تأمین امنیت بانک و محموله‌های آن و فرستادن مستحفظ بود که حکام در اختیار بانک قرار می‌دادند. علاوه بر روابط مالی و اعتباری، بانک و حکام، روابط دوستانه‌ای همانند برگزاری مراسم شام، مهمانی و شکار داشتند. در حالی که این‌گونه روابط میان روسای بانک و تجار - بجز تاجران بزرگ و معروف همانند ملک‌التجار، آن هم به صورت محدود - و مردم عادی مرسوم نبوده است.

مناسبات شعبه‌ی بانک بیرجند با سایر شعبه‌ها

افزون بر فعالیت‌ها و مبادلات مالی و بانکی این شعبه با طبقات مختلف اجتماعی در بیرجند، این بانک با دیگر شعب بانک شاهی در شهرهای اطراف مبادلات و ارتباطاتی داشت که در زمینه‌ی نقل و انتقال محموله‌های بانک بود. آنچه که در فحوای اسناد به وضوح دیده می‌شود، مسأله‌ی امنیت کاروان‌ها و در امان ماندن از سرقت راهزنان و درخواست مکرر از امیران محلی و اداره‌ی قشون در خصوص فرستادن نیروی محافظتی مسلح می‌باشد. بانک قراردادهایی با سران و متنفذان محلی منعقد می‌کرد که مضمون و مفاد آن ناظر به محافظت از بانک و محموله‌های آن بود. از جمله در نواحی غرب و جنوب غربی که سران بختیاری تسلط داشتند و طبق تعهداتی متقابل، نقل و انتقال پولی و سایر مرسولات بانک شاهنشاهی را حفاظت می‌کردند.^۱ کاروان‌های بانک در این منطقه در بیشتر مواقع از سوی بلوچ‌ها و افغان‌ها تهدید و مورد حمله واقع می‌شدند. البته گاهی اوقات هم

۱. تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، ص ۱۵۷.

به تحریک دولت بریتانیا، به سبب رسیدن به آمال و خواسته‌های سیاسی و نظامی‌شان، بی‌نظمی و آشوب و دستبرد به کاروان‌ها صورت می‌گرفت. از اسناد بر جای مانده روشن می‌شود که روابط این شعبه با شعب بانکی شهرهای کرمان، سیستان، مشهد بیشتر بوده است. مک‌گرگر^۱ هم به موقعیت بیرجند و قرار داشتن آن در مسیر راه کرمان، یزد، هرات، سیستان و تردد بازرگانان شهرهای مختلف به اینجا اشاره کرده است.^۲ بخشی از مناسبات بانک، مراودات با هند؛ به دلیل نزدیکی به این منطقه بوده است. از این رو، می‌توان ارتباطات مالی شعبه‌ی بیرجند را بر اساس اطلاعاتی که از اسناد به دست می‌آید به چهار دسته‌ی مشهد، سیستان، کرمان و هند تقسیم کرد.

پیشتر به ارتباطات بانک شاهی بیرجند و شعب مشهد و سیستان، در جریان بدهی ملک التجار و وام‌های شوکت‌الملک به شعبه‌ی بانک مشهد و درخواست امیر برای تأمین تریاک از شعبه‌ی سیستان اشاراتی شد. علاوه بر این موارد، شعب بانکی، معاملات و ارتباطات مالی میان خود داشتند که اسناد باقی‌مانده از این دوره، حاکی از روابط دو سویه‌ی این شعبه‌ها می‌باشد و به دلیل اهمیت کاروان‌های بانک و مسأله‌ی محافظت، مکاتبات میان رؤسای بانک، ویس قنسولی، حاکمان محلی مناطق مختلف، اداره‌ی قشون و غیره، قابل توجه می‌باشد. تعدد مکاتبات و اسناد بر جا مانده در طی سال‌های مختلف، حاکی از روابط بسیار این شهرها است. یکی از مسائل قابل توجه، امر انتقال کاروان‌های پول، امنیت آن‌ها و درخواست بانک، از حاکمان محلی برای هماهنگی محافظت می‌باشد. حکام محلی معمولاً امر حفاظت را در قلمرو خود انجام می‌دادند، بنابراین بانک ناگزیر بود از قبل، با حاکم محلی هر منطقه‌ای جداگانه هماهنگی نماید. امیر شوکت‌الملک فقط وظیفه‌ی محافظت کاروان‌ها را تا آخر خاک قاینات، شهرها و بخش‌های داخل قلمرو خود؛ همانند نیمبلوک و نه^۳ را تقبل می‌کرد و فرستادن مستحفظ را با نایب‌الحکومه‌های آن مناطق هماهنگ می‌کرد.^۴

1. Mac Gargar

۲. سی. ام مک‌گرگر، (۱۳۶۶)، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، ج ۲، ترجمه مجید

مهدی زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس، ص ۱۶۰.

۳. نه از نقاط خیلی قدیمی و قابل اهمیت است و در میان جاده‌ی مستقیمی واقع شده که از بندرعباس به خراسان امتداد دارد.

۴. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱، ۸۵۲۶، ۱۳۳۴ق؛ همان، سند شماره ۴، ۸۸۶۹، ۱۳۳۲ق.

در واقع بیرجند از هر سمتی یک حد و مرز داشت به عنوان مثال بنا بر نظر شوکت‌الملک، گدار سلیمانی یا کاخک، سرحد قاین به سمت مشهد بود و از این روی سواران گنابادی را ملزم به همراهی کردن قافله تا این منطقه می‌دانست. لذا حفاظت از کاروان‌های بانک در سرحد گناباد به عهده‌ی سواران قایینی نبود.^۱ انتهای حوزه‌ی استحفاظی قاینات در سرحد کرمان، خور، گرماب یا عمار بود و اطراف به حکمران طیس و کرمان تعلق داشت،^۲ و سرحد منطقه‌ی سیستان، بندان بود. از این رو، مستحفظان فقط تا بندان حق داشتند جلو بروند.^۳ گاهی اوقات مستحفظین مناطق از یک منطقه‌ی خاص جلوتر نمی‌آمدند و مستحفظین حامل قافله مجبور بودند تا آن خطه به همراه قافله بروند و هماهنگی ورود به خاک دیگری بر عهده‌ی حکمران بود. زمانی که مستحفظین کرمان، در برج دربند منتظر تحویل کاروان بودند، سواران قایینی ملزم بودند تا آن منطقه بروند و چون این خطه جزو قلمرو طیس بود، بنابراین هماهنگی لازم را باید شوکت‌الملک با حکمران آن منطقه برای ورود مستحفظین خود می‌کرد.^۴ گاهی با توجه به دستور وزارت داخله، حاکمان اعلام می‌کردند که آنان نمی‌توانند مسئولیت محافظت قافله‌ی بانک را خارج از حدود بر عهده بگیرند. این مسائل کیفیت و روند جا به جایی محموله‌های بانکی را به خوبی آشکار می‌سازد.^۵ بجز محموله‌های بانکی، کالاهای دیگری هم چون تریاک، قالی و فرش بین شعب مبادله می‌گردید.^۶ تحصیل‌داران بانک، در چارچوب وظایف محوله، قافله‌ها را تا مقصد همراهی می‌کردند، در گزارش‌هایی که تحصیل‌داران بانک از روند حرکت قافله ارائه داده‌اند؛ مطالبی یافت می‌شود که مبین معضلات و مسائل مرتبط با قافله‌های بانکی است. در نامه‌ی تحصیل‌دار بانک شاهی مشهد، ابوالقاسم، فقدان مستحفظ، در سرحد و قلمرو حکام محلی، به عنوان یکی از مشکلات، مطرح شده است. این نامه، حاکی از آن است که کاروان بانک از مشهد به بیرجند، در گناباد به دلیل نبود مستحفظین قایینی چند روزی را معطل مانده است.^۷

۱. همان، سند شماره ۷، ۸۸۶۹، ۱۳۳۲ق.

۲. همان، سند شماره ۲، ۲۳۴۳، ۱۳۲۲ق.

۳. همان، سند شماره ۱، ۷۰۴۶۷، ۱۳۳۲ق.

۴. همان، سند شماره ۳، ۲۳۴۳، ۱۳۳۳ق.

۵. همان، سند شماره ۱۱، ۲۳۴۳، ۱۳۳۳ق.

۶. اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق، ص ۴۰۵-۴۰۴.

۷. همان، سند شماره ۶، ۸۸۶۹، ۱۳۳۳ق.

این امر باعث شکایت کارگزاران انگلیسی به بانک، به خاطر عدم همکاری حاکمان در فرستادن مستحفظ می‌شد. در واقع یکی از تعهدات دولت ایران در قبال بانک، تأمین امنیت بانک بود، غفلت حکام محلی سبب اعتراض انگلیسی‌ها و در صورت سرقت اموال، موجب مطالبه‌ی غرامت می‌شد. بنابراین برای جلوگیری از ابهام و یا ادعای بانک مبنی بر این‌که مستحفظی نفرستاده‌اند، هنگامی که قافله را تحویل مستحفظین شهر دیگری می‌دادند، رضایت نامه‌ای دال بر رساندن صحیح و تحویل قافله اخذ می‌کردند.^۱ البته گاهی اوقات به دلیل قصور روسای تلگراف در امر رساندن نامه‌ها، تأخیری در ارسال مستحفظ رخ می‌داد. لازم به ذکر است که بیشتر مأمورین و مستحفظین از نیروهای سواره نظام تأمین می‌گردید.^۲ البته در برخی موارد به سبب عدم توجه حاکمان محلی، بانک مجبور می‌شد از قشون انگلستان برای محافظت استفاده نماید.^۳ نیروهای روسی و انگلیسی که به حفاظت از جاده‌ها می‌پرداختند در قبال این کار از مسافریین و شتربانان انعام می‌ستاندند. از این‌رو، برای باج ستاندن، بارها به مردم تعرض می‌کردند که گاهی به زخمی کردن آن‌ها و خسارت رساندن به اموالشان منتهی می‌گردید.^۴

با وجود مکاتبات مکرر و محافظت‌ها، گاهی اوقات کاروان‌های بانک مورد حمله‌ی راهزنان و سارقان قرار می‌گرفتند. در این صورت، دولت ایران مجبور بود خسارت وارده را جبران کند. در مسیر بیرجند به مشهد اسنادی از گزارش سرقت محموله‌ی بانک در اختیار است.^۵ البته شعب بانک، نه تنها در این منطقه بلکه در مناطق دیگر با این مشکل رو به رو بودند، و در کتاب *آبی* به وفور گزارش‌های سرقت از کاروان‌های بانک دیده می‌شود،^۶ سر جرج بارکلی،^۷ در نامه‌ای به سر ادوارد گری^۸ به سرقت‌هایی که در مسیر

۱. همان، سند شماره ۵، ۸۵۲۶، ۱۳۳۴ ق.

۲. همان، سند شماره ۴، ۸۵۲۶، ۱۳۳۴ ق.

۳. مهدیقلی خان، هدایت، (۱۳۷۵)، *خاطرات و خطرات توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره‌ی زندگی من*، تهران: زوار، ص ۲۲۴.

۴. ایران نو، س ۱، ش ۱۱، ۲۰ شعبان ۱۳۲۷، ص ۱۱.

۵. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۷۹-۵-۴۰-۱۳۲۸ ق.

۶. در زمینه سرقت از کاروان‌های بانک و تاراج آن‌ها؛ نک: کتاب *آبی*، ج ۱، صص ۱۲۷، ۱۴۷؛ همان، ج ۲، صص ۴۳۰، ۴۰۰.

7. Ser George Berkeley

8. Ser Edward Gray

تعاملات و مناسبات بانک شاهی انگلیس با طبقات اجتماعی ایران ۶۹

بوشهر به اصفهان رخ داده اشاره کرده است: «در ۹ ژوئن چهار بار قماش و یک صندوق تریاک قریب ۲۰ میلی شمال کازرون ۷ الاغ با بار محمول قند و غیره در ۱۴ ژوئن نزدیک پل سیوند به سرقت رفت»^۱، براساس اطلاعات اسنادی، مدت زمانی که کاروان در مسیر بیرجند به مشهد طی طریق می‌کرده؛ دو هفته بوده؛ البته اگر برای این کاروان مشکلاتی اعم از فقدان مستحفظ و یا ناامنی جاده‌ها پیش نمی‌آمد.^۲

یک بخش از مناسبات دیگر بانک با شعبه بانکی در هند بود و این متأثر از نزدیکی این منطقه به هند و نفوذ بریتانیایی‌ها می‌باشد. از مضمون اسناد و مدارک روشن می‌شود که در کنار روابط بازرگانی و تجاری بیرجند با هند؛ بانک شاهی این منطقه هم ارتباطات مالی با هند داشته است. بانک شاهی در مواردی برای تأمین مصارف قشون خود احتیاج به پول داشت و این نیاز خود را، از شعب بانکی هند تأمین می‌کرده است. مسأله‌ی قابل توجه، ورود روپیه، پول رایج هند، در سیستم و چرخه‌ی مبادلات بانکی بیرجند می‌باشد. این امر نشان دهنده‌ی رواج روپیه در معاملات این خطه می‌باشد. در مورد رواج روپیه در بیرجند می‌توان به سند ذیل و مفاد آن استناد کرد:

«مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکه‌العالی: برای وسعت مصارف قشونی دولت فخریه انگلیس یک میلیون روپیه هندی نقره سکه هندوستانی وارد شعبه بانک شاهنشاهی بیرجند نموده‌اند و از قرار یکی دو قران رواج است وزن هر روپیه دو مثقال و ده نخود است که دو نخود از دو قرانی ایران بیشتر است ولی نقره آن به پاکی نقره دو هزاری نیست زیاده عرض ندارم چاکر حسین اعتصام الملک»^۳. در واقع رواج روپیه‌های هندی معمولاً در شهرهایی که به هند نزدیک بودند و یا بنادر جنوبی به سبب رفت و آمد انگلیسی‌ها و هندی‌ها امری معمول بود.^۴ بجز بیرجند در بوشهر هم، روپیه هندوستانی رواج داشت.^۵ این امر نشان می‌دهد که ارتباط اقتصادی و اجتماعی بیرجند در آن دوره با هندوستان، بیشتر از روابط آن با تهران و مرکز مملکت بوده بخصوص در سال‌های جنگ جهانی اول که انگلیسی‌ها یک خط زنجیر نظامی میان زاهدان و مشهد مستقر ساخته

۱. کتاب آبی، (۱۳۶۳). به کوشش احمد بشیری، ج ۵، تهران: نشر نو، ص ۱۱۵۰.

۲. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۱، ۸۱۳۳، ۱۳۳۶ ق.

۳. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۶-۲۸-۳۳۷-۱۳۳۷ ق.

۴. حیل‌المتین، س ۲۱، ش ۱۹، ۱۷ ذیحجه ۱۳۳۱، ص ۱۱.

۵. دنیس رایت، (۱۳۸۵)، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه اسکندر دلد، تهران: به آفرین، ص ۱۶۵.

بودند.^۱ طبق اسناد، هر ماه یک کاروان از هند به بیرجند وارد، که برای محافظت از مال التجاره‌ی آنان درخواست مستحفظ می‌شده است.^۲ از جمله کالاهایی که هند وارد بیرجند می‌نمود، اسلحه و سور و سات نظامی بود که اسناد بسیاری دال بر خریداری این ملزومات از هند توسط حاکم بیرجند وجود دارد.^۳ در مجموع فعالیت بانک شاهی در بیرجند با فراز و نشیب‌هایی رو به رو و مسائل مختلفی در روند عملکرد این شعبه مؤثر بوده‌اند. عوامل ذیل را می‌توان در عملکرد موفق و کامیابی این شعبه مؤثر دانست:

- حمایت امرای محلی: این شعبه با استفاده از حمایت حاکم محلی، شوکت الملک دوم، توانست بر رقیب خود، بانک روس، پیشی گیرد. انگلیسی‌ها و هم‌چنین روس‌ها با بهره بردن از رقابت و اختلافات شخصی حکام این منطقه و حمایت از آنان می‌توانستند به اهداف و آمال خود برسند. چنان‌که در جریان اخذ وام و رقابت شوکت‌الملک و حسام‌الدوله به حضور بانک‌های خارجی این منطقه به این مسأله اشاره شد. حمایت شوکت‌الملک از این بانک و روابط موفق وی با این شعبه سبب شد که تجار و مردم نیز به تبع آن با شعبه‌ی بانک شاهی تعاملاتی داشته باشند.

- برخورداری از امتیاز کاپیتولاسیون: استفاده از این امتیاز سبب شد انگلیسی‌ها از تأمین جانی و مالی برخوردار باشند. این امتیاز حاکم محلی را ملزم به تأمین نیازهای اولیه و مهم‌تر از آن، امنیت آنان می‌کرد.

- تجارب بانکداری بریتانیایی‌ها: سابقه‌ی فعالیت انگلیسی‌ها در بانکداری مستعمرات، سبب توفیق آنان بر رقبایشان گردید. بدین ترتیب توانستند با استفاده از سیستم موفق بانکداری خود، اعتماد مردم را جلب و امور بانکی و تجاری را به دست بگیرند. چنان‌که بانک روس که از همان ابتدا به دنبال انگیزه‌های سیاسی و رقابت با بریتانیا تأسیس شده بود به شیوه‌هایی رو آورد که در ابتدا مردم را جذب، اما عدم تجربه در این سیستم سبب رویگردانی مردم از آن گردید. در این زمینه می‌توان به شیوه‌ی وام‌دهی این دو بانک اشاره کرد.

۱. نامه‌هایی از قهستان، ص ۴۷.

۲. اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق، ص ۱۰۹.

۳. همان، صص ۱۴۱-۱۳۹.

تعاملات و مناسبات بانک شاهی انگلیس با طبقات اجتماعی ایران ۷۱

- نزدیکی به هند: یکی از امتیازات مثبت این شعبه نزدیکی به هند بود. این شعبه هر زمانی که با کسری بودجه رو به رو می‌گردید از شعب هند، پول مورد نیاز را تأمین می‌کرد. همین امر سبب تفوق این شعبه بر روس‌ها گردید.

با این وجود برخی عوامل نیز سبب ناکامی این شعبه در بانکداری گردید:

- فقدان راه‌های ارتباطی: عدم وجود راه‌های ارتباطی مناسب با شهرهای دیگر سبب ایجاد مشکلاتی در نقل و انتقالات محموله‌های بانکی می‌گردید.

- ناامنی: تجاوز و حملات اشراار و سارقان به محموله‌های بانکی و از دست رفتن سرمایه‌های بانک یکی از دغدغه‌های مسئولان بانک بود.

- جنگ جهانی اول: وقوع این جنگ و تعطیلی بسیاری از شعب به دلیل حضور آلمانی‌ها باعث کساد امور تجاری و بازار شد. از این‌رو علاوه بر بانک بسیاری از تجار و مردم متضرر شدند.

- سیاسی شدن بانک: ورود بانک به عرصه‌های سیاسی و انجام اقداماتی چون تأمین نیازهای سربازان و اولویت دادن به منافع سهام‌داران خارجی نیز زمینه‌های بی‌اعتمادی مردم را نسبت به بانک فراهم آورد.

- سختگیری و اعمال فشار: سیاست‌های بانک در باز پس‌گیری قروض و بدهی‌های مردم که برخی اوقات با سخت‌گیری و کتک کاری و آبروریزی همراه بود، بتدریج سبب رویگردانی مردم از بانک شاهی گردید.

در نهایت عملکرد این شعبه که معطوف به اهداف استعماری و سیاسی دولت بریتانیا و شعبه‌ی مرکزی بود، و حضور بیشتر سربازان هندی و انگلیسی، روس‌ها و آلمانی‌ها، ایجاد ناامنی و اغتشاش، مزاحمت و ظلم به اهالی، ورشکستگی تجار و صرافان سبب شد که شعبه بانک شاهی با گذشت زمان جایگاه مثبت خود را از دست بدهد و به دنبال تأسیس بانک ملی و عدم سودآوری به کار خود پایان دهد.

نتیجه

بانک شاهی از همان آغاز تأسیس و فعالیت خود با جلب اعتماد عمومی توانست بسیاری از نقل و انتقالات بیرجند را بر عهده بگیرد. این شعبه با تأمین اعتبارات، وام‌ها و کالاهای سفارشی توانست به حکام، تجار و مردم، خدماتی ارائه دهد. علاوه بر این موارد، با ایجاد حساب شخصی برای امرا، کمک به تجار و مردم در وصول بدهی‌هایشان، جایگاه خود را در جامعه تثبیت نمود. البته مناسبات بانک شاهی بیرجند با طبقات مختلف اجتماعی بنا بر عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت بود. عواملی همانند شأن و جایگاه اجتماعی و طبقاتی مردم، روابط سیاسی، وضعیت مالی، حرفه و شغل در ارتباطات بانک با اقشار تاثیرگذار بود و باعث تغییر کارکردهای بانک در برخورد با آنان می‌گردید. نحوه‌ی خدمات بانکی با توجه به مراجعه‌کنندگان بانک شاهی متفاوت بود. زمانی که طرف حساب بانک حاکم محلی و یا تجار بزرگ شهر بودند خدمات‌رسانی بانک، سیری سریع‌تر و بهتر داشت. برای نمونه در هنگام سر رسید وام‌ها و تاخیر مشتریان در پرداخت آن، بانک شاهی نسبت به حکام و دولتمردان با مدارا برخورد می‌کرد، اما در ارتباط با افراد عادی با شیوه‌ی آمرانه و در مواردی حتی تا حد برخورد فیزیکی واکنش نشان می‌داد. بانک در برخورد با اهالی و مردم با توجه به موقعیت اجتماعی و مالی آنان اقدام به پرداخت وام می‌کرد. مردم در اخذ وام با شرایط سخت و سنگینی رو به رو می‌شدند، اما این مسأله مانع از آن نشد که از نفوذ بانک در منطقه، برای حل اختلافات و مشکلات ملکی، مالی و شخصی خود با حاکمان و سایر افراد استفاده نمایند.

فهرست منابع و مآخذ

- کتاب‌ها:
- آبراهامیان، یرواند، احمد اشرف و محمدعلی کاتوزیان، (۱۳۸۳)، *جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آدمیت، فریدون، (۱۳۸۵)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی.
- آرامجو، علی، «*قانیات در دوره قاجاریه*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن اسلامی، به راهنمایی دکتر محمدعلی کاظم بیگی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- احتشام السلطنه، محمود، (۱۳۷۰)، *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- براون، ادوارد، (۱۳۸۷)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی، تهران: اختران.
- بشیری، احمد، (به کوشش)، (۱۳۶۲)، *کتاب آبی*، ج ۲، تهران: نشر نو.
- _____، (۱۳۶۳)، *کتاب آبی*، ج ۱ و ۵، تهران: نشر نو.
- تیموری، ابراهیم، (۱۳۳۲)، *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران: اقبال.
- دانشپور، عبدالحسین، (بی‌تا)، *بانک شاهنشاهی و امتیاز: وجود بانک شاهنشاهی مانع نمو بانک ملی است*، تهران: نامه مظفر.
- رایت، دنیس، (۱۳۸۵)، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه اسکندر دلد، تهران: به آفرین.
- رائین، اسماعیل، (۱۳۵۳)، *میرزا ملکم خان زندگی و کوشش‌های سیاسی او*، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفیعلی شاه.
- ربیعی رودسری، منیژه، (۱۳۸۰)، *بانک و بانکداری در ایران - از ایران چه می‌دانم - ۱۴*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رئیس طوسی، رضا، (۱۳۸۵)، *سرزمین سوخته دیپلماسی بریتانیا در سیستان*، تهران: گام نو.
- عین السلطنه، (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)*، ج ۱، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- سیرجانی، سعید، (۱۳۶۱)، *وقایع اتفاقیه*، گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۲ قمری، تهران: نشر نو.
- شاهدی، مظفر، (۱۳۸۷)، *تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- کاساکوفسکی، و. ا. (۱۳۵۵)، *خاطرات کننل کاساکوفسکی*، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: سیمرغ.
- کیانفر، عین‌الله و پروین استخری، (۱۳۶۳)، *کشف تلخیص یا دورویی نیرنگ انگلیس از روی اسناد محرمانه انگلیس در باب ایران*، تبریز: احیا.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۸)، *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: شیرازه.
- محبوب فریمانی، الهه، (به کوشش)، (۱۳۸۰)، *اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق*، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

۷۴ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۰

- مک گرگر، سی. ام. (۱۳۶۶)، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، ج ۲، ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس.
- مهدوی، اصغر و ایرج افشار، (۱۳۸۰)، یزد در اسناد امین‌الضرب، سال‌های ۱۲۲۸ - ۱۳۳۰ ق. تهران: طلایه.
- مهدوی، شیرین، (۱۳۷۹)، حاج محمد حسن کمپانی امین‌الضرب، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیر خانی، تهران: تاریخ ایران.
- نصیری، محمد، (۱۳۳۸)، تاریخ سی ساله بانک ملی ایران، تهران: بانک ملی ایران.
- نصیری طیبی، منصور، (۱۳۸۴)، ایالت فارس و قدرت‌های خارجی از مشروطیت تا سلطنت رضاشاه، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزرات امور خارجه.
- ویلز، چارلز جیمز، (۱۳۶۸)، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگزلو، تهران: اقبال.
- هدایت، مهدیقلی خان، (۱۳۷۵)، خاطرات و خطرات توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره‌ی زندگی من، تهران: زوار.
- هیل، اف. (۱۳۷۸)، نامه‌هایی از قهستان، ترجمه محمد حسن گنجی، مشهد: مرکز خراسان شناسی آستان قدس.

نشریات:

- ایران نو، ج ۱، س ۱، ش ۱۱، ۲۰ شعبان ۱۳۲۷، ۳ سپتامبر ۱۹۰۷.
- حبل‌المتین. ج ۱۸، س ۲۱، ش ۱۹، ۱۷ ذیحجه ۱۳۳۱ ق.

مصاحبه:

- گلشنی، عبدالحسین، تجار قدیمی بیرجند، مصاحبه در ۹۱/۱/۳۰

اسناد آرشیوی:

اسناد مرکز اسناد آستان قدس رضوی:

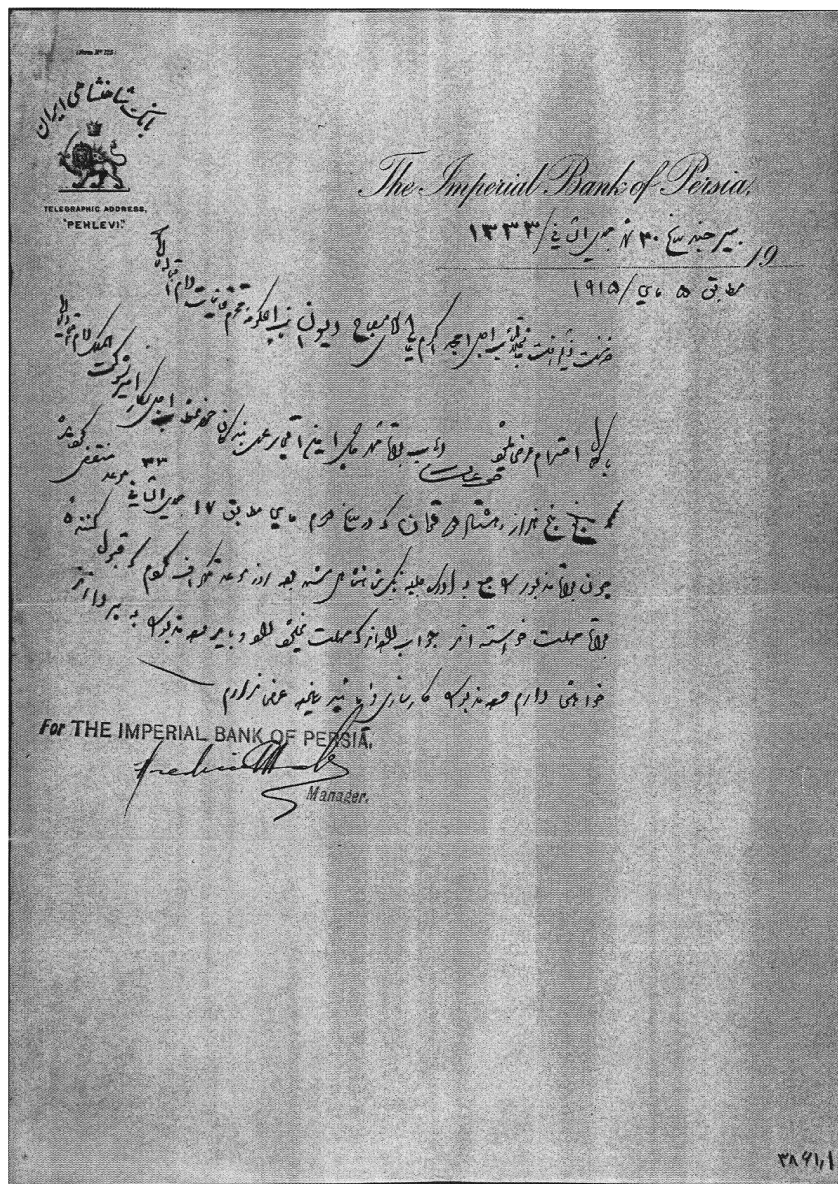
- سند شماره ۷۰۴۹۷/۱
- سند شماره ۲۸۹۸۷/۳
- سند شماره ۹۰۸۳/۱
- سند شماره ۸۶۷۹/۲
- سند شماره ۹۲۲۰/۱
- سند شماره ۹۲۲۰/۲
- سند شماره ۲۵۹۷۳/۶۷
- سند شماره ۳۸۶۱/۱
- سند شماره ۸۳۹۹/۲

تعاملات و مناسبات بانک شاهی انگلیس با طبقات اجتماعی ایران ۷۵

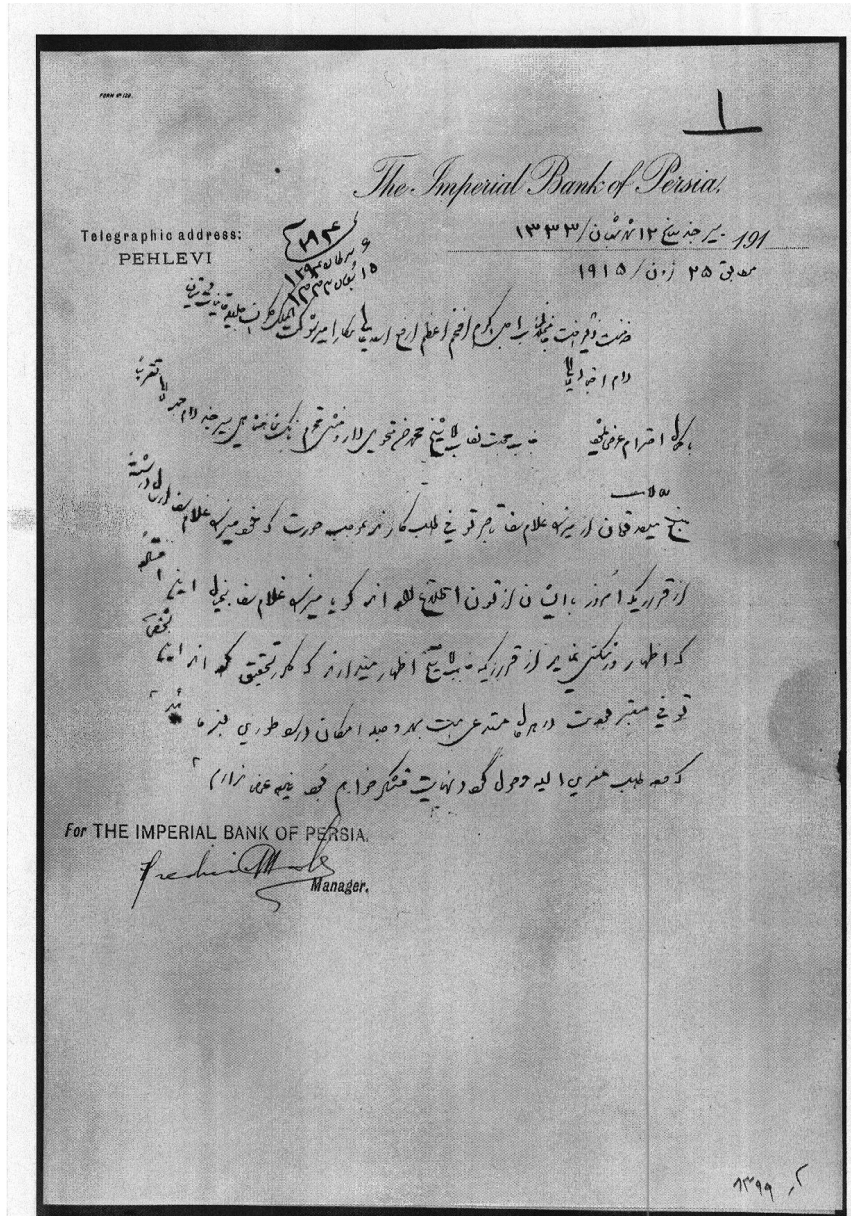
- سند شماره ۷۳۰۲۰/۲
- سند شماره ۹۰۴۱/۵
- سند شماره ۹۰۴۱/۶
- سند شماره ۹۲۱۷/۱
- سند شماره ۸۵۲۶/۱
- سند شماره ۸۸۶۹/۴
- سند شماره ۸۸۶۹/۷
- سند شماره ۲۳۴۳/۲
- سند شماره ۷۰۴۶۷/۱
- سند شماره ۲۳۴۳/۳
- سند شماره ۲۳۴۳/۱۱
- سند شماره ۸۸۶۹/۶
- سند شماره ۸۵۲۶/۵
- سند شماره ۸۵۲۶/۴
- سند شماره ۸۱۳۳/۱
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه:
- سند شماره ۱۳۳۳-۳۴-۵۹-۲۳ ق.
- سند شماره ۱۳۳۱-۲۳-۱۹-۳۲ ق.
- سند شماره ۱۳۲۸-۴۰-۵-۱۷۹ ق.
- سند شماره ۱۳۳۷-۳۸-۲۸-۶ ق.

منابع لاتین:

1. Jones, Geoffrey, (1986), Banking and Empire in Iran: the history of the British Bank of the Meaddle East, vol.1, London: Cambridge University.




سند شماره ۳۸۶۱/۱. مرکز اسناد آستان قدس رضوی.



سند شماره ۸۳۹۹/۲. مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

* دولت علیه ایران *

۱۲۹۲
تاریخ ۵ خرداد ۱۳۳۲
اسم نویسنده
ماده



حکومت سیستان و قایانات

۲۹۰	نمبره کتاب ثبت
دوسیه	کارتن
۲۹۰	ذکر نمره های قبل
شعبه	شعبه تحریرات
ارسال در ساعت	

حضرت حاکمات نوازش آن تم لیلان کا اسرار کربا

ارادت نغیرا جمع موقوفه قافله بلخین در آن بحر زلف معین

اصدنا زحمت میدیدم پهن روزگار کجای در لعل و لعل

دادند به مهر تا بیغ موداف کهم دستمویا جفا صفت در اول

فراک تا بیغ صفت راست بدیدم که هر دم تم کلمه کس کس

اسرور موداف کهم به صفت خور و تان کجا کس به کس

باید کین فدا کما را کس کس کس کس کس کس کس کس

مدنم کس فقط تا اول فراک قانات کس کس

سین ز باید کس کس کس کس کس کس کس کس کس

رسم تا مورع کس کس کس کس کس کس کس کس کس

لکن حال کس کس کس کس کس کس کس کس کس

القوات فراک کس کس کس کس کس کس کس کس

و در کس کس کس کس کس کس کس کس کس

۸۸۶۹/۷

سند شماره ۸۸۶۹/۷. مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

Form No. 122

MEMORANDUM.

BIRJAND 191

From _____ %

The Imperial Bank of Persia.

کوه خلیه لاسیه ابولمکم تقصیر دار بکر بردست لاروشه بس

حضرت سرکار بزرگوار منم بر سر خدمت دارم
 بموجب علم ایت خیران کوجب سفر الی کجا کن
 کن با نمونهای موجوده که در آنجا جو شده باشد دستخفا که بر سر آن
 طرف قایم یعنی بر سریت بنده بر لاروشه

۱۸۶۹/۶

سند شماره ۸۸۶۹/۶. مرکز اسناد آستان قدس رضوی.